

نویسنده: ضیا باری بهاری

طنز روز

کرزی صیب توامضا کو، بعد ما همرايشان می فامیم....

امضاکو ... زود امضا کو!

- حضرت صیب اگه مه امضا کنم اول ده غم برادرهای ناراضی خود می مانم و اگر امضانکنم نمی دانم چطور کنم؟ حیران ماندیم، انتخابات هم پیش رو است هه هه هه....
- اوبچه خيله خندی نکو، تو همیشه هیچ گپ آدمه نمی شنوی، گفتم امضا کو در غیر آن مه بار و بستره خوده بسته کدیم و ده ای سری پیری از این مُلک می برآیم، اگه برآمدُم بازگله نکنی دیگه، که کس پیدا نخاد شود بخاطر تو ... "استخاره" کنه.
- مجددی صیب ببینی، باز عصبانی شدید، مخو شوخی کدم، شما ایقدر جدی نگیرید بگذار چند وقت ما هم غیرت او غانی... خوده به امریکایی ها نشان بتیم، باز سند پیمان امنیتی ره با آنها امضا میکنیم.

- او کرزی می فامی یا نمی فامی، تو خودت دیدی که امریکایی ها چند روز پیش گفتند که اگر کرزی تا چند هفته دیگه سند پیمان امنیتی را با آنها امضا نکند، آنها در سال 2014 بکلی او غانستانه ترک می کنند، دیگر حوصله من هم سر رفته است، خوب فکرته بیگی، مه از همی تریبون لویه جرگه ده حضور همه مردم بتو هوشدار میتم، که اگر تا دو روز آینده سند پیمان امنیتی ره با امریکایی ها امضا نکنی، همان قسمی که از اول بریت گفته بودم، دار و ندار خوده برداشته از این مُلک برای همیشه می روم.
- حضرت صیب شما چقدر آدم خوش باورو ساده هستید، امریکایی ها جای رفتنی نیستند، آنها به خبرنگارها و رادیوها یک چیز میگویند به شما چیز دیگر، مگر در قفا کاری خوده می کنند؛ آنها بر ایچه به وطن ما آمده اند که ایقدر زود دوباره از اینجا برگردند، شاید یک چند نفر از عسکرهای شان را بکدام جای دیگر که لازم می دانند، انتقال بدهند؛ اما نه کلی قوايشان را، آنها خصوصی در قصر سفیدچند ماه پیش مره اطمینان داده بودند که به ای زودی ها او غانستانه ترک نمی کنند، صدر اعظم پاکستان و چند نفر دیگر هم با ریش های انبوه شاندر آنجا شاهد بودند، چُرت خوده خراب نکنید و خوده ناқы ناқы سرگردان و آواره نسازید و ما را پریشان "سنگ در جای خودش سنگین است"

- حضرت صیب ببینید ما (مه و مشاورینم) در اینجا چقدر خود را نزد شما خورد می سازیمو شما را احترام می کنیم، هر روز بلا ناغه پیش از نماز خفتن دست های نحیف شما را بوسه باران نموده و همه ما به استخاره هاو راز و نیازهای شما گوش فرا می دهیم، متأسفانه بر عکس شما طاعات و عبادات ما را نا دیده گرفته و باز اخطار می تیت که اگر به قول شما نکنم از این کشور می برآید؛ اما هوش کده باشید خوده آواره نسازید و جای نروید که در خارج مردم ایقدر احمق نیستند که به "استخاره و پف و چف شما باور داشته باشند، در اروپا چهارصد سال پیش تکلیف استخاره گران را مردم روشن نموده بودند؛ یعنی شما و امثال شما در آن کشورها بازار ندارید؛ اما بهر حالتش شما تشویش نکنید، باز اگر امریکایی ها و دوستان خارجی مارفتنی شدند همان قسمی که قبلاً به مه وعده داده بودند یقین دارم که آنها با ما ناجوانی نخواهند کرد و ما و شما را در بین

دوستان و دشمنان داخلی و خارجی و سیال و شریکتنهانی گذارند و هر وقتی که اوغانستان را ترک بگویند، مطمئن باشید کهحتمأ ما شما را همراه خود می برند. - کرزی صیب گپی بسیار میگه خر ره بار، گفتم امضأ کو ... دیگه کله ... مره گرنگ نکن

حضرت صیب نمی دانم چرا شما بسیار اصرار می کنید کهامضأکو امضأ کو امضأ کو، آخر شما مره دیوانه کدین، همه گپه نمیشه در اینجا در حضور همه به شما گفت، در این جرگه از سراسر اوغانستان و کل دنیا آدم آمده است که در بین شان هر قسم آدم پیدا میشه، از دوستان و برادران ناراضی ما گرفته تا دوستان و برادران راضی همه حضور دارند، یک کمی طاقت کنید، باز بعدتر خبر می شیت که مه با دوستان امریکایی مان در خفاچه فیصله کده بودیم، آنها خودشان می فهمند که چه کار کنند، ریئ نزنید ما هم میفامیم که چه کار کنیم. هر کس وظیفه خوده می شناسد.

مه بارویستره خوده بسته کردیم
از همه چیز استعفا واز بی کفایتی
حکومت هجرت میکنم ویا قیام دوباره



یادداشت: کارتونی از صفحه فیس بوک "چشم سفید"